



به پیشواز کارهای جدید وحشت‌سازترین استودیوی سینمای جهان
تصویری مدرن از دراکولا

در ۱۵ سال اخیر بلوم هاس از مرتب‌ت یک شرکت کوچک سازنده فیلم‌های ترسناک کم‌هزینه‌و مستقل به درج‌ات‌غول نخست‌تهیه‌کننده این‌گونه آثار سینمایی تغییر وضعیت داده و چنین مدتی برای تغییر و تبدیل‌های عظیم سینمایی و فرورفتن در قالب‌های یک استودیوی بزرگ و پیشرو زمانی اندک محسوب می‌شود.

نگاهی به مضامین «خطبه‌الوسيله» نخستین خطبه‌امام‌علی(ع) در دوران امامت
در نامه‌پیشوای پارسایان در برابر ناسپاسان

جابر بن یزید جعفی یکی از ارژداران امام باقر علیه‌السلام است. جابر می‌گوید: روزی به حضور امام باقر(ع) می‌رسم. من که عمری دل و جان را در زلال کلمات اهل بیت(ع) شست و شوداده‌ام، اکنون با چندین گروه روبه‌رو می‌شوم که همه با ادعای تشیع به جان هم افتاده‌اند. هر کدام گروهی را گرد آورده‌اند و از اصل دین - که خاندان پیامبر و حجت‌حی‌خدا باشد - غافل شده‌اند.



رودررو با منوچهر رضایی خالق مجموعه داستانی «روپیک»

مجاهدی که در گیسوان مسیح گم شد

آرامگاه شهدای ارمنی جنگ ایران و عراق در تهران

عکس: تصدیم

اسماعیل علوی

دبیر گروه پایداری

منوچهر رضایی هنرمند خلاق است که به دلیل کم‌کاری، خیلی‌ها و واثر ماندگار و خواندنی‌اش را نمی‌شناسند. از او یک مجموعه داستان کوتاه با عنوان «روپیک» منتشر شده است که با وجود تک اثر بودن نامش را بر دیوان بهترین‌های داستان کوتاه جنگ ثبت کرده و شایسته دریافت جایزه یوسف نموده است. این اثر کم‌حجم به حدی خوشخوان است که مخاطب حرفه‌ای به سختی باور خواهد کرد خالق این اثر در هنگام انتشار آن، کتاب اولی بوده است. با او پیرامون دلیل کم‌کاری و غیبت طولانی مدتش در عرصه تولید و خلق اثر، همچنین سایر زمینه‌ها قصد گفت‌وگویی مفصل داشتیم که مقدور نشد. لذا به این گفت‌وگوی کوتاه در حد معرفی ایشان و اثر ماندگارش بسنده می‌کنیم.

■ «روپیک» کاری هنرمندانه است که وری طرفداران داستان جنگی، مخاطب عام را هم جذب می‌کند، چرا داستان نویسی برای جنگ را ادامه ندادید؟

برای نوشتن هر بهانه‌ای بیاورم توجیه‌ناپذیر است. البته نوشتن برای نویسنده باید به یک نیاز روحی تبدیل شود. چون نوشتن عرف‌ریزی روح است که با ریخ و خلاقیت نیز همراه است و نتیجه آن خلق دنیایی با شخصیت‌های جدید و تجربه لذت‌بخشی خواهد بود. پس از نوشتن روپیک به صورت جدی فیلمنامه خواندم، فیلمنامه نوشتم که متأسفانه حاصلی برابم نداشت و وقفه‌ای در ادامه داستان نویسی شد. البته در این سال‌ها بیکار نماندم و یک اثر پژوهشی، همچنین مجموعه شعری را آماده چاپ می‌کنم.

■ داستان‌های روپیک به متن نمایشی نزدیک است آیا در این امر عمدی وجود دارد؟ این امر بی‌آنکه منوجه شوم و عمدی در کار باشد اتفاق افتاده است. من اساساً انسان برونگرای هستم و به خوب دیدن و پرداختن به جزئیات فضای داستان اهمیت می‌دهم. در عین حال از قدرت تخیل هم غافل نیستم.

سال‌ها جوانی عضو انجمن سینمای جوان بودم. دو فیلم کوتاه هم ساختم. ولی بعدها متوجه شدم دنیای داستان نویسی متفاوت با دنیای همه هنرهاست. ساختار داستان‌هایم بخصوص رمان «یاد در شالیزار می‌پیچد» مملو از تصاویر بصری متأثر از فیلم‌نامه‌خوانی و فیلم دیدن‌های من است و همینطور تجربه خودم که زندگی سختی داشتم.

■ بعضی از داستان‌های روپیک قابلیت تبدیل آنها به رمان را دارند. آیا تصمیمی برای تبدیل آنها به رمان ندارید؟

داستان «فریاد سکوت» در سال ۷۸ به عنوان داستان برگزیده به همراه بیست داستان کوتاه در کتاب سوم یوسف و با عنوان «شریت آلبالو» توسط بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس به چاپ رسید.

داستان فریاد سکوت به شدت تصویری است و غیرمنتظره هم تمام می‌شود. این داستان قابلیت تبدیل به فیلمنامه، حتی رمان را دارد، ولی هنوز به صورت جدی تصمیمی برای این کار ندارم و امیدوارم در فرصتی مناسب این اتفاق بیفتد و این قصه را در ساختار قالب رمان بنویسم.

■ روپیک چگونه شکل گرفت؟

مجموعه داستان روپیک، شامل شش داستان کوتاه است که بجز داستان پنجم این مجموعه که در بحبوحه عملیات والفجر ۱۰ نوشته شده مابقی داستان‌ها بعد از پذیرش قطعنامه، نوشته و به نگارش درآمده است. داستان «آنها پنج نفر بودند» را صحنه به صحنه تجربه کردم. در جریان کمک به آواره‌های شهر حلبچه، در میان مبارزان هواپیماها و هدایت آنها به یک جای امن، که بعد از اتمام عملیات با کمک دیگر رزمندگان انجام می‌دادیم و بلافاصله به مقر عملیاتی جهت پاکسازی میدین مین برمی‌گشتم.

داستان روپیک هم به این نحو بود که بعد از پایان خدمت در یک شرکت مشغول به کار شدم. آن ایام داستان‌هایم را در یک روزنامه محلی چاپ می‌کردم. همکاری داشتم که از ارمانه بود. آدم خوش ذوق و اهل مطالعه، گاهی کتاب باهم می‌آید می‌کردیم. طی همین دوستی، کتابی از ایشان دریافت کردم که در آن به خدمات مهم ارمانه در ایران اشاره شده بود که شامل ابعاد فرهنگی، سیاسی، معماری و هنردادیات می‌شد در صفحات آخر هم فصلی بود که به معرفی شهدای ارمانه در جنگ تحمیلی پرداخته بود. عنوان کتاب در خاطرم نیست.

بعد از مطالعه این فصل از آن کتاب، انگیزه‌ای در وجودم مرا به سمت سوژه‌ای کشید تا داستانی بنویسم که در آن به زندگی خانواده‌ای بپردازم که سال‌هاست فرزندشان در جبهه مفقودالثر شده که هر روز این سال‌ها منتظر خبری از او هستند که در نهایت داستان با فرودی غم‌انگیز به پایان می‌رسد.

■ به نظر شما داستان کوتاه یاران، کدام یک

در روایتگری حوادث جنگ مؤثرترند؟

اگر نویسنده تجربه و تبحر کافی داشته باشد نوشتن رمان در زائر جنگ صد البته می‌تواند پروژه مهمی برای او باشد که نیاز ادبیات دفاع مقدس در حال حاضر هم این است. در حوزه داستان کوتاه هم جنگی نویسان جوان آثار خوش‌فرمی پدید آورده‌اند که در مجموعه داستان‌های کتاب یوسف می‌توانید مطالعه کنید و به قدرت پرداخت آنان در ساختار داستان‌ها پی ببرید.

تنها می‌ماند حرف حساب داستان کوتاه یا رمان و آن وجود فضای امنیتی‌اندیشی و مصلحت‌اندیشی سیاسی است که هنوز هم گریبان نویسنده مستعد را رها نکرده است. تا این مسائل هست، ادبیات واقعی و بی‌طرف نظیر رمان «زمین سوخته» اثر ماندگار زند باد احمد محمود پدید نخواهد آمد.

■ سوژه‌هایتان را چگونه به دست می‌آوردید، آیا تجربه شخصی هم در آن دخیل است؟

هر حادثه خاص، گاه نامتعارف که مدت‌ها ذهن و روح شما را درگیر خود کند، می‌تواند بهانه‌ای برای نوشتن به شما بدهد، در اینجا عناصر حادثه (تجربه‌های تلخ و شیرین و مجموع اطلاعات حاصل زندگی یعنی دیده‌ها، شنیده‌ها و مطالعات و صد البته تخیل قوی) شما را به درون دنیای کلمات خواهد کشید. می‌ماند نوشتن یعنی درگیر شدن قلم و کاغذ و صرف وقت در ساعات عادی (صبح زود یا غروب دلتنگی‌ها) نوشتن و نوشتن همراه با بازنویسی‌های مکرر، این شکل به ظاهر ساده اما حماسی خلاقیت است.

■ در نوشته‌هایتان نگاه تازه‌ای نسبت به جنگ وجود دارد و از کلیشه‌های معمول فاصله گرفته‌اید، این امر متأثر از چه درک و شناختی است؟

خیلی سعی کرده‌ام داستان‌ها به دور از حس و حال سفارشی نویسی و تبلیغی پیش برود. کار نویسنده اگر سفارشی باشد اثر از پیش مرده خواهد بود. مصلحت‌اندیشی باعث می‌شود که در آن به زندگی خانواده‌ای بپردازم که سال‌هاست فرزندشان در جبهه مفقودالثر شده که هر روز این سال‌ها منتظر خبری از او هستند که در نهایت داستان با فرودی غم‌انگیز به پایان می‌رسد.

تعداد آثار فاخر در این زائر به تعداد انگشتان هردو دست نرسد.

■ اساساً در نوشته‌هایتان به دنبال چه چیزی هستید چه چیزی را مدنظر دارید تا به قلم بیاورید؟

نویسنده مسافر دنیاهاست، دوره‌گردی غریب که گاه در پی یافتن خودش است گاه در جست‌وجوی زاویه‌های پنهان دنیای شخصیت‌هایش، اما شاید مهم تراز آن شبیه مسافری است که می‌خواهد در دل دنیاهایی که خلق کرده ردپا یا فرانسوی هر چند نامحسوس برای آینده‌گان به جا بگذارد.

■ در یک ارزیابی شتابزده سطح داستان کوتاه و رمان جنگ را چگونه می‌بینید؟ در «روپیک» (داستان کوتاه) با «یاد در شالیزار می‌پیچد» که رمان است اختلاف قلم وجود دارد دلیل آن چیست آیا اتفاقی است یا به ساختار این دو برمی‌گردد یا دلیل دیگری دارد؟

وقایع رمان «یاد در شالیزار می‌پیچد» در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۰ اتفاق می‌افتد. پس طبیعی است با این پیرنگ زمانی لحن و سبک پرداخت متفاوت باشد. از طرفی حوادث رمان در دل مقطعی از تاریخ می‌گذرد که بدون پژوهش و تحقیق پیش نمی‌رفت. وجود شخصیت‌های متعدد، حوادث به هم پیوسته در رمان سبک و ساختار خودش را می‌طلبد که طبعاً با داستان کوتاه تفاوت‌های ساختاری دارد.

■ کار کدام یک از داستان نویسان در حوزه جنگ را می‌پسندید؟

«زمین سوخته» احمد محمود را یک اثر رئال، بی‌طرفانه، صادقانه در حوزه رمان جنگ می‌دانم. از لحاظ نوآوری و پرداخت مدرن هم می‌توانم به رمان پل معلق بایرامی اشاره کنم.

■ از قرار شما دست اندر کار مطالعات پژوهشی نیز هستید، مرزهای کار پژوهشی با داستان را چگونه تبیین می‌کنید؟ نگاه پژوهشگر با مطالعه تاریخ عم از تاریخ اجتماعی، سیاسی و... به دست می‌آید و توسعه می‌یابد. گرچه داستان نویس هم



باید در این زمینه‌ها مطالعه کافی داشته باشد. از این رو کار پژوهش با داستان نویسی ارتباط تنگاتنگی دارد. در این مورد به آثار ابوتراب خسروی، امیرحسین چهلتن و مرحوم هوشنگ گلشیری به‌طور اخص می‌توان اشاره کرد. از این جهت داستان‌نویس خواه‌ناخواه به سمت کار پژوهشی کشیده می‌شود. البته به اقتضای اثر در دست تولید هم بستگی دارد. به‌طور کلی مرز بین داستان نویسی و کار پژوهشی، خلاقیت و آفرینش در داستان نویسی است که در کار پژوهشی به دلیل مستندسازی نمی‌تواند از این ویژگی برخوردار باشد. چون کار محقق و پژوهشگر، تحقیق و پژوهش است نه داستان‌سرایی که اصلی‌ترین عنصر آن تخیل است. پژوهشگر اگر بخواهد بر تخیل تکیه کند همچون مرحوم ذبیح‌الله منصوری نه تاریخ‌نویس خواهد بود و نه رمان‌نویس و در هر دو حوزه آثارش میان‌مایه و فوق‌العاده عامه‌پسند خواهد بود

ساده در حدی نیستم که به کسی توصیه کنم. اگر کسی بخواهد وارد این حوزه پرمشقت و بی‌مزد شود، تنها می‌توانم به این موضوع اشاره کنم که تاریخ و فرهنگ ما ایرانی‌ها مملو از حوادث نادر، عرفان ما مملو از چهره‌های مطرح، سیاست ما مملو از بغض کیبود، خاک ما عاشق پرور، مردم ما ساده و زودپارویند. با چنین اوصافی تاریخ ادبیات ما باید غنی‌تر از ادبیات امریکای لاتین و فرانسه باشد. راه رسیدن به آن جایگاه خود باوری است آن هم با این پیشینه عظیم.



داولطلبانه به جبهه رفته و تحت فرماندهی شهید حسینی بودند. با توجه به اینکه راوی نسبت به خاطرات جبهه شخص فرعی محسوب می‌شود؛ یعنی لیلا در جبهه حضور ندارد از ترفند سرک کشیدن به دفتر خاطرات شهید استفاده شده است و جاهایی هم برای نقل خاطرات کودکی او مادر علی این حوادث را برای عرووش تعریف می‌کند.

از این جهت مطالعه کتاب برای کسانی که تمرین داستان نویسی می‌کنند درس‌هایی تجربی در زمینه زاویه دید و استفاده از تکنیک‌های گوناگون دارد.

دایره وژانگ و نثر کتاب کاملاً متناسب با شخصیت‌پردازی انتخاب شده است. گاهی راوی در ثبت خاطرات شهید، فردی است با ویژگی‌های عامی و در شخصیت‌پردازی چیزی مبنی بر ادیب بودن و داشتن علم و تخصص در زمینه‌ای خاص ارائه نمی‌شود. اما در یافت روایت به‌صورت چشمگیری از بسامدهای زبانی والایی استفاده شده در صورتی که از زبان فردی عادی نوشته شده که در حالت عادی بسیار ساده از کلمات استفاده کرده و دیدگاه شخصی به امور ندارد.

سادگی و صمیمیت حجب و حیا و خجالت خاتم قلی‌زاده از پس همین کلمات و جملات منتقل می‌شود. اما تکرار جمله «یاد هست» سید علی در اشکال مختلف در طول کتاب به فرم صدمه زده است. حالا که نویسنده تصمیم گرفته از نثری روان استفاده کند، یعنی دستش پر است. با توجه به اینکه من کتاب «اعترافات کاتب کشته شده» را نیز مطالعه کرده‌ام اطلاع دارم جناب ناطق در استفاده از نثرهای گوناگون تبحر دارند، زیرا قلمی که اعترافات را نوشته با آن فرم و تکنیک خاص حالا با زاویه دید و تکنیک دیگری عکس سه نفره را به تحریر درآورده است.

عنوان «عکس سه نفره» نیز انتخاب هوشمندانه‌ای است که از دل یک شگفتانه در داستان بیرون آمده و عکس سه نفره‌ای در پایان کتاب که باید دید.

«سازمان ناطق» در عکس سه نفره از زندگی مردی می‌گوید که خودش را ناشوا و ناگویا باز زده و دستگاه عریض و طویل نظام سربازی پهلوی را به بازی گرفته، از هنرستان افسری توری فرار کرده که به او دست‌خوش هم گفته‌اند، بنی صدر را ضایع کرده و دوران جنگ بدون اینکه دانش‌بنده نظامی رفته باشد فرمانده گردان حرمی می‌شود. از زمانی که فرماندهی تپت اطلاعاتی ۳۱۳ حررا همدهار بود به شهادت رسید. این کتاب در سال ۱۴۰۰ توسط انتشارات سوره مهر به چاپ رسید.